

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال شانزدهم، شماره پنجاه و دوم، پاییز ۱۳۹۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۲۱

تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۰۸/۲۳

صفحات: ۱۳۹-۱۱۹

مطالعه تطبیقی تحول مفهوم قدرت در سیاست منطقه‌ای ایران در عصر جهانی شدن با تأکید بر عراق، یمن و سوریه (۹۸-۱۳۹۲)

رضا علی اکبرپور

دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد بین‌الملل کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران.

گارینه کشیشیان سیرکی*

گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

از آنجایی که ویژگی‌های فرهنگی، رویکردهای ایدئولوژیک، جغرافیا و اعتقادات مذهبی از جمله عوامل تعیین‌کننده جایگاه ایران در عرصه منطقه‌ای هستند، ایران با توجه به روایت ملی و اسلامی بعنوان یک بازیگر انقلابی ضمن به چالش کشیدن هنجارهای منطقه‌ای، سیاستی مبتنی بر محاسبات منافع ملی را تعقیب نموده است. برخی معتقدند که یکی از عوامل تأثیرگذار بر آینده خاورمیانه نوع رفتار و روابط ایران با محیط منطقه‌ای خود است. آنان با تأکید بر نقش‌آفرینی عمده ایران در جهان اسلام، به جایگاه قدرت منطقه‌ای ایران تأکید می‌نمایند. حال با توجه به شرایط و مقتضیات جهانی شدن، سؤالی که در این مقاله به آن پرداخته شده، این است که تحول مفهوم قدرت ناشی از جهانی شدن چه تأثیری بر ماهیت سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در سه کشور عراق، یمن و سوریه داشته است؟ با یک مطالعه تطبیقی در پاسخ چنین به نظر می‌رسد که با تحول مفهوم قدرت از قدرت سخت به قدرت نرم و سپس، قدرت هوشمند در عصر جهانی شدن، ماهیت سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران نیز بر تلیق قدرت نرم همکاری‌جویانه با سیاست سخت موازنه نامتقارن قدرت دچار تحول گردیده است. در همین راستا، می‌توان تأکید کرد که شکل‌گیری گروه‌های شیعه در سراسر خاورمیانه که متأثر از اصل صدور انقلاب و مدل حکومت اسلامی است، با تاکتیک‌های قدرت هوشمند و دیپلماسی فرهنگی ایران پشتیبانی می‌شوند. هدف از نگارش این مقاله، بررسی تطبیقی تحول مفهوم قدرت در سیاست منطقه‌ای ایران با تأکید بر کشورهای عراق، یمن و سوریه بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ است.

واژگان کلیدی: سیاست منطقه‌ای، قدرت نرم، ایران، عراق، سوریه، یمن.

مقدمه

بعضی متفکران معتقدند که قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای برای بازسازی اتحادها و احیای روابط به اتخاذ رویکرد قدرت نرم روی می‌آورند که در واقع، بعنوان روشی جهت رسیدن به منافع آنها محسوب می‌شود. این افراد ضمن اشاره به چهار مدل قدرت نرم در خاورمیانه که شامل ترکیه، ایران، قطر و عمان است، به ارزیابی و تحلیل قدرت نرم ایران می‌پردازند و برای آن اهمیت ویژه‌ای قائل هستند.

برخی دیگر قدرت نرم ایران را بر سه ستون اصلی قرار داده و ابتدا به تاریخ و فرهنگ مبتنی بر تمدن سه هزار ساله اشاره می‌کنند که بر همسایگان تأثیر گذاشته و بعلاوه، معتقدند گردشگری و رویدادهای فرهنگی و نیز زبان فارسی منابع مهمی هستند، چرا که ۵ میلیون ایرانی در منطقه دیاسپورا نقش مهمی در انتشار فرهنگ ایرانی ایفا می‌کنند. از منظر آنان، ستون دوم ارزش‌های سیاسی ایران که ترکیبی است از دموکراسی مذهبی که در نوع خود مدلی منحصر بفرد از قدرت نرم است، می‌باشد. همچنین، ستون سوم قدرت نرم ایران را سیاست خارجی مبتنی بر قانون اساسی می‌دانند که بر اساس اصول انقلابی و مذهبی شکل گرفته و توانسته است با ایجاد اتحاد و مشارکت در سراسر جهان عرب و اسلام شبکه‌ای از متحدان منطقه‌ای را به نام محور مقاومت در مقابل هژمونی خارجی تشکیل دهد. در نهایت، آنان معتقدند توافق هسته‌ای، قدرت نرم‌افزاری ایران را تقویت کرده و توانسته از وقوع جنگ در منطقه جلوگیری کند.

البته، با بررسی دیپلماسی عمومی ایران در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای می‌توان دریافت که چگونه جمهوری اسلامی ایران در شرایط سخت و حساس از سیاست خارجی جهت تحول فرهنگی و گرایش به قدرت نرم استفاده می‌کند. توانایی قدرت ایران در استفاده از دیپلماسی عمومی برای ترویج قدرت نرم، با بررسی اهداف و اقدامات سیاست خارجی ایران به اهمیت قدرت نرم در فرهنگ سیاسی‌اش ایران تأکید می‌کند.

نویسندگان در این مقاله به تأثیر جهانی شدن بر تحول مفهوم قدرت و متعاقب آن به نقش قدرت هوشمند با تأکید بر قدرت نرم در ایجاد تغییر در کاربرد و اعمال قدرت پرداخته و معتقدند جهانی‌شدن سبب شده تا قدرت بیش از آنکه بر عوامل ثابت مادی متمرکز شود، به تأثیر ایده‌های نوین و ارزش‌های جدید بر کنش و رفتار سیاسی متمرکز می‌شود. آنها همچنین معتقدند قدرت هوشمند بوسیله دولت‌ها می‌تواند در عرصه سیاست خارجی هزینه‌های اعمال قدرت را کاهش داده و از سویی دیگر، کاربرد قدرت را با نتایج بهینه‌تری همراه سازد.

۲- پیشینه تحقیق:

طرفه در سال ۲۰۱۷ (۱۳۹۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «The role of Regional media of Iran in the its soft war policy» معتقد است شبکه بزرگ رسانه‌های منطقه‌ای ایران - عمده‌ی منطقه و همچنین، گروه‌های سنی و شیعه منطقه است. به نظر وی، سیاست منطقه‌ای مبتنی بر جنگ نرم ایران هدفش هماهنگ‌سازی هویت فرهنگی برای مسلمانان و به چالش کشیدن امپریالیسم خبری غرب است.

مایلی و دیگران در سال ۱۳۹۵ در مقاله‌ای تحت عنوان «قدرت نرم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی» معتقدند که قدرت نرم قدرتی است که جمهوری اسلامی ایران با آگاهی از اهمیت آن در عصر وابستگی متقابل، از ابزارهایی نظیر دانش، فرهنگ و ایدئولوژی برای اعمال قدرت بر روی کشورهای منطقه‌ای بهره می‌برد. وی با اشاره به اینکه استفاده بیشتر از قدرت نرم که باعث تحکیم و ارتقای جایگاه منطقه‌ای آن شده، تأکید دارد که پیشرفت‌های قابل توجهی در حوزه پزشکی، سایبری، تکنولوژی به تأثیر حوزه ایدئولوژی بعد از انقلاب اسلامی و ارائه مفاهیمی نظیر نفی تسلط بیگانگان، عدالت و پیوند دین و سیاست بر میزان قدرت نرم خود افزوده است.

دهشیری در سال ۱۳۹۳ در مقاله‌ای تحت عنوان «جهانی شدن و نظام بین‌الملل» به بررسی تأثیر جهانی شدن بعنوان متغیری مستقل بر نظام بین‌الملل پرداخته و ضمن تبیین ماهیت قدرت متحول شده، به نقش بازیگران منطقه‌ای در کنار قدرت‌های بزرگ پرداخته است. وی با تأکید بر اینکه قدرت هوشمند که بر نوعی هماهنگ‌سازی بین قدرت سخت و نرم استوار است، آنرا موجب افزایش توان کنشگران منطقه‌ای و بین‌المللی از طریق گفت‌وگو، ائتلاف‌سازی، کارکردی، فرهنگ‌سازی، هنجارسازی، نمادسازی و اسطوره‌سازی و نهادسازی برای ایجاد حوزه نفوذ و تأثیرگذاری می‌داند.

جوزف نای در سال ۱۳۹۳ در کتابی تحت عنوان «آینده قدرت» با ترجمه محمد حیدری بر تحول مفهوم قدرت و نیز قدرت هوشمند و قدرت سایبری پرداخته است. وی بر این باور است که کشورهایی می‌توانند از قدرت هوشمند بهره‌برداری بهینه نمایند که از یک طرح کلی برای بازی بر خوردار باشند و در عین حال در قبال رویدادها انعطاف‌پذیر باشند. وی با تشبیه بستر امروزین سیاست به یک شطرنج سه بُعدی، بر اهمیت تلفیق قدرت نظامی، اقتصادی و اطلاعاتی تأکید دارد.

بیلگین در سال ۱۳۹۳ در کتاب «امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه» با ترجمه قهرمان پور با تأکید بر افول امنیت ملی اعراب در آغاز سده بیست و یکم، یکی از پیامدهای آن را ارتقای گفتمان اسلام‌گرایی و استحکام جایگاه آن در میان مردم منطقه مشروط به حفظ اهمیت مسأله

♦ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و دوم، پاییز ۱۳۹۹ ———

فلسطین برای مردم اعراب می‌داند. وی با تأکید بر بازیگران تجدیدنظرطلب در منطقه مانند حزب‌الله لبنان آنرا متأثر از الگوی انقلاب اسلامی در خاورمیانه می‌داند.

همچنین، دهشیری در سال ۱۳۹۰ در کتابی تحت عنوان «بازتاب عمومی و نظری انقلاب اسلامی ایران در روابط بین‌الملل» به تشریح انقلاب اسلامی ایران در گستره‌ی جهانی شدن و رویکرد آن در نظام بین‌المللی و منطقه‌ای پرداخته است. نویسنده با تأکید بر اهمیت قدرت نرم در فرایند انقلاب اسلامی در سطوح تحلیل داخلی و منطقه‌ای، معتقد است در سطح منطقه‌ای ایران با تأکید بر مواردی از جمله بازسازی تمدن اسلامی، ارتقای بیداری اسلامی، احیای هویت جهان اسلام و محوریت در ثبات منطقه‌ای توانسته است قدرت نرم‌افزاری خود را ارتقاء بخشد.

قربانی شیخ‌نشین و دیگران در سال ۱۳۹۰ در مقاله‌ای تحت عنوان «قدرت هوشمند، تحول نوین قدرت در عصر جهانی شدن» به بررسی مفهوم قدرت هوشمند با توجه به دگرگونی‌های ایجاد شده در سیاست بین‌المللی و توسعه چارچوبی مفهوم قدرت، ابعاد این تحول را نشان می‌دهد؛ تحولی که بیانگر مفهومی نو از قدرت است که در آن هنجارهای قدرت نرم با منابع قدرت سخت ترکیب شده و قدرت هوشمند را بوجود می‌آورند که نقش مؤثری در قدرت دارد. برآیند این نوع قدرت، مشروعیت در کاربرد قدرت و جلوگیری از اتلاف منابع است. غریب‌آبادی نیز در سال ۱۳۸۲ در مقاله «جهانی شدن و تحول در مؤلفه‌های سیاست خارجی»، جهانی شدن را باعث پدید آمدن هویت‌های منطقه‌ای جدید می‌داند که در نتیجه آن، شرایط و زمینه‌های مساعدی برای تشکیل نظام تابع بین‌المللی فراهم شده است.

۳- چارچوب نظری

جوزف نای در سال ۱۹۹۰ در مقاله «تحول طبیعت قدرت جهان»، قدرت را بعنوان توانایی انجام امور و نیز کنترل دیگران برای دستیابی به اهداف و خواسته‌ها تعریف می‌کند و معتقد است که توانایی کنترل بر سایر بازیگران به میزان منابع قدرت تحت مالکیت بستگی دارد. نای تأکید می‌کند که باید میان اعمال مستقیم قدرت به روش آمرانه و اعمال قدرت غیرمستقیم یا قدرت به روش اقناعی تفاوت قائل شد. در روش اول از تشویق، تهدید و اجبار برای تغییر رفتار سایر بازیگران استفاده می‌شود که همان قدرت سخت شناخته می‌شود. ولی در روش دوم، از جذابیت عقاید و ارزش‌ها و همچنین، توانایی تعیین دستور کار سیاسی برای شکل‌دهی تمایلات و اولویت‌های دیگران و به تبع آن، تغییر رفتار آنها استفاده می‌شود که جوزف نای، نام قدرت نرم را بر آن نهاد (نای، ۱۹۹۰: ۱۷۷).

نای در همین رابطه بیان می‌دارد که اثبات قدرت، تنها در گرو منابع قدرت نیست، بلکه به توانایی ایجاد تغییر رفتار سایر دولت‌ها وابسته است. وی با برشمردن تحولاتی از جمله رشد

_____ مطالعه تطبیقی تحول مفهوم قدرت در سیاست منطقه‌ای ایران در عصر ♦
بازیگران غیردولتی و کمپانی‌های چندملیتی، تحولاتی عظیم در زمینه ارتباطات و حمل‌ونقل و همچنین، گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و نیز جهانی شدن، همچنین تعاملات اقتصادی، به پیچیدگی سیاست‌گذاری‌های آینده در قبال توزیع قدرت جدید اشاره می‌کند و معتقد است که توانایی قدرت‌ها با اتکا به منابع سنتی قدرت و اجبار دولت‌ها به تحقق خواست یک کشور، در حال رنگ باختن است.

از نظر وی، قدرت نرم زمانی اتفاق می‌افتد که یک کشور و یا دولت کاری کند تا کشورهای دیگر همان چیزی را بخواهند که او می‌خواهد. بطورکلی، قدرت در حال تبدیل شدن به امری کمتر قهرآمیز، کمتر ملموس و کمتر انتقال‌پذیر است و بنابراین، منابع جدید قدرت مانند فرهنگ، ایدئولوژی، ارزش‌ها و نهادها دارای نقش بسیار پراهمیتی شده‌اند (نای، ۱۹۹۰: ۱۶۶).

جوزف نای همچنین در مقاله «قدرت سخت و قدرت نرم در عصر اطلاعات»، ضمن برشمردن ویژگی عصر اطلاعات و گسترش رسانه‌های جمعی و فردی برای انتقال و تبادل سریع و ارزان اطلاعات، معتقد است که بدلیل تفاوت گسترده بازیگران بین‌المللی و کشورها در زمینه توسعه‌ای و تکنولوژیک، همچنان ترکیبی از قدرت سخت، قدرت اقتصادی و قدرت نرم البته با میزان و درجه‌ای متفاوت وجود دارد و کشوری که در این سه جنبه از ابعاد قدرت دارای توانمندی باشد، می‌تواند در مدیریت سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی نقشی تأثیرگذار ایفا کند (نای، ۲۰۰۲: ۱۵۱).

در همین راستا، جوزف نای در سال ۲۰۱۴ نیز در مقاله «انقلاب اطلاعات و قدرت»، مشخصه اساسی این عصر را سرعت تبادل اطلاعات و ارتباطات نمی‌داند، بلکه کاهش بسیار زیاد هزینه تبادل اطلاعات و ارتباطات در سراسر جهان را ویژگی بارز این عصر و باعث ایجاد تحولات گسترده در منابع قدرت و اهمیت آنها می‌داند. با بهره‌گیری از نظریه جوزف نای پیرامون قدرت نرم به موضوع این مقاله که تحول مفهوم قدرت در سیاست منطقه‌ای ایران در عصر جهانی شدن با مطالعه موردی، عراق، یمن، سوریه بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ است، خواهیم پرداخت.

۴- تحول در سیاست منطقه‌ای ایران با توجه به تحول مفهوم قدرت (۱۳۹۸-۱۳۹۲)

مؤلفه‌های آمریت-اقناع، دیپلماسی-نظامی‌گری، قدرت سخت-نرم و نفوذ-ظرفیت‌سازی اصلی‌ترین نمودهای عینی و بیرونی نظریه قدرت هوشمند هستند. در ادامه و بر مبنای مؤلفه‌های مذکور و به شکل درهم‌کنشی آنها، به بررسی روندهای قدرت در سیاست منطقه‌ای ایران در دوران روحانی و در پیوند با سه کشور عراق، یمن و سوریه می‌پردازیم. لازم به ذکر

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و دوم، پاییز ۱۳۹۹ ———
است که برای پیشگیری از تکرار مباحث در صورت تفکیک هر یک از مؤلفه‌های قدرت، ابتدا به شکل کلی برای هر یک از کشورهای مورد بحث در بخش آتی، چند مؤلفه که در برگیرنده‌ی همه‌ی شاخصه‌های قدرت هوشمند باشد، استخراج نموده‌ایم تا تلاش برای توازن هوشمند قدرت در دوران اعتدال‌گرایی در سیاست خارجی را نشان دهیم. پیش از ورود به بحث نیز تحول در مفهوم قدرت در این دوران را با عنایت به مؤلفه‌های این مدل از قدرت، مورد بحث قرار خواهیم داد.

تأمین منافع ملی در گفتمان اعتدال‌گرایی متضمن و مستلزم آن است که بین قدرت نظامی و دیپلماسی در قالب دیپلماسی دفاعی کنش‌مند توازن و تعادل برقرار گردد. لذا، در وضعیت هوشمند، به‌کارگیری متوازن و متعادل هر دو ابزار دیپلماسی و قدرت نظامی یا اقناع و آمریت که بر همان مبانی خوانش سخت و نرم از قدرت قرار دارد، لازم و ضروری است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۱۲). به این دلیل که در مدل قدرت سخت، قدرت در چارچوب «آمریت» معنا می‌یابد؛ درحالی‌که قدرت نرم با عنصر «اقناع» تعریف می‌شود (پورحسن، ۱۳۹۶).
شایان ذکر است که جمهوری اسلامی ایران در این دوره زمانی بجز تکیه بر قدرت سخت‌افزاری، در بُعد قدرت نرم نیز، بر اهمیت و لزوم قدرت نرم در زمینه‌های مختلف با عنایت به حوزه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی تأکید دارد.

تکیه بر ابعاد پیوندهای فرهنگی، حضور مثبت و مؤثر در مجامع بین‌المللی، تأکید بر نفوذ نرم در کشورهای دیگر، ایجاد پیوندهای فرهنگی با جهان بیرون و خصوصاً لایه‌های فرهنگی هم‌پوشان چون جهان اسلام و جهان تشیع از مهم‌ترین اولویت‌های دولت اعتدال‌گرا بوده است. تأکید بر تنش‌زدایی، ایجاد زمینه‌های تقویت‌کننده‌ی گفت‌وگو و دیپلماسی نیز از مهم‌ترین دستورکارهای نرم سیاست خارجی جمهوری اسلامی، خصوصاً با تأکید بر لایه‌ی منطقه‌ای است (افضلی و دیگران، ۱۳۹۷). تأکید بر نگاه ارزش‌مدارانه به تحولات منطقه‌ای، حمایت از دیپلماسی و گفت‌وگو و راه‌حل‌های سیاسی برای مواجهه با بحران‌های بین‌المللی و خصوصاً بحران سوریه و یمن از مهم‌ترین ابعاد قدرت نرم جمهوری اسلامی در دوران اعتدال در عین تأکید بر بُعد سخت قدرت دفاعی و نظامی کشور در مقابل هر بحران بوده است.

در چارچوب نفوذ و ظرفیت‌سازی نیز باید گفت تعامل سازنده و ظرفیت‌سازی از مهم‌ترین منابع قدرت هوشمند به حساب می‌آید. مبنای تعامل و مشارکت‌جویی موردنظر در گفتمان اعتدال، درک و فهم پیام‌ها و کنش‌های معنایی دیگر است که امکان نزدیکی و برقراری ارتباط و مکالمه بیشتر بین دو طرف را فراهم می‌کند و عامل ظرفیت‌سازی برای کنش متقابل است. از طرفی، تعامل ابزاری که در آن «نیل به موفقیت» جای «تفاهم» را می‌گیرد، بیشینه‌سازی سود و منفعت طرفین است و بیشتر متکی بر ظرفیت‌سازی در حوزه‌ی منافع اقتصادی و تجاری،

_____ مطالعه تطبیقی تحول مفهوم قدرت در سیاست منطقه‌ای ایران در عصر ♦
سیاسی و امنیتی و نیز اجتماعی- فرهنگی است. روحانی، رئیس دولت اعتدال در یادداشتی در واشنگتن پست، بازتعریفی از مفهوم تعامل سازنده دارد. وی در همین راستا اشاره می‌کند که: «ما برای حل موضوعات پیش‌رو، باید به پیچیدگی‌های آنها توجه داشته باشیم. به تعریف من از تعامل سازنده بازگردید. در جهانی که سیاست‌های جهانی دیگر معادل‌های تک‌بعدی نیست، پیشبرد سیاست‌ها در جهت منافع یک طرف بدون در نظر گرفتن منافع دیگران، غیرقابل‌تصور است» (آجیلی و افشاریان، زمستان ۱۳۹۵: ۵۶).

به‌طور کلی، گفتمان اعتدال‌گرایی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان تلاشی دانست که درصدد بهره‌گیری از قدرت هوشمند است. به نظر می‌رسد ایران برای رویارویی با چالش‌های کنونی و آینده، نسبت به تلفیق قدرت سخت و نرم برای ایجاد قدرت هوشمند تلاش می‌کند. این روند تحول قدرت از سخت به نرم و سپس، هوشمندسازی آن را در سیاست منطقه‌ای ایران در قبال کشورهای مورد بررسی در ذیل خواهیم آورد.

۴-۱- تحول مفهوم قدرت در سیاست منطقه‌ای ایران در عراق

عراق کشوری کلیدی و مهم برای ایران در منطقه است. از جمله مؤلفه‌های اصلی در سیاست منطقه‌ای ایران نسبت به عراق با عنایت به قدرت هوشمند و ترکیبی از قدرت سخت و نرم می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود.

۴-۱-۱- اشتراک مذهبی و تقویت آن از منظر نفوذ و ظرفیت‌سازی

قدرت نرم فرهنگی ایران در عراق از ابعاد و زمینه‌های گسترده‌ای برخوردار است که از مهم‌ترین آنها می‌توان به وجود مؤلفه‌ی اشتراک مذهبی شیعه به‌عنوان محور برقراری ارتباط ایران با جریان‌های شیعی اشاره کرد. چنانکه دو شهر قم در ایران و نجف در عراق مراکز آموزش‌های شیعی هستند که هر دو دارای حوزه‌های علمیه مهم می‌باشند و تبادلات و تعاملات فرهنگی و مذهبی میان آنها از اهمیت اساسی در روابط دو کشور برخوردار است (Haynes, 2009: 31 به نقل از: صادقی و عسگرخانی، ۱۳۹۰: ۹۳۸).

در بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ می‌توان اشاره نمود که با توجه به اینکه احزاب دینی شیعی در عراق در رأس قدرت‌اند و حکومت این کشور را تشکیل می‌دهند و نفوذ ایران در این کشور، چه از لحاظ سیاسی و چه از لحاظ نظامی، بسیار بالا بوده و ظهور داعش و مبارزه با آن در چارچوب حمایت از حشد الشعبی عراقی نیز بر توسعه‌ی نفوذ ایران در عراق افزوده است. این عامل باعث شد تا حضور پررنگ ایران در عراق جدید از دید نظام بین‌المللی و آمریکا به معنای افزایش نقش و نفوذ منطقه‌ای ایران تلقی شود (هراتی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۵۴). در عین حال،

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و دوم، پاییز ۱۳۹۹ ———
بخشی از سیاست منطقه‌ای ایران در عراق، در خصوص شیعیان را دیپلماسی عمومی مذهبی آن
شکل می‌دهد.

در دیپلماسی عمومی و هوشمند ایران در عراق، کشوری که بعد از ایران دومین جمعیت
بزرگ شیعه در خاورمیانه را دارد، روابط دینی نقش مهمی را ایفا می‌کند. به عنوان مثال، هر سال
بیش از ۲ میلیون شیعه ایرانی، در کربلا برای زیارت اربعین جمع می‌شوند. صرفِ مقیاس این
رویداد (که بزرگ‌ترین سفر زیارتی سالانه در دنیا محسوب می‌شود)، زمینه‌ساز تبادل میان زائران
ایرانی و عراقی است. کنفرانسی با مدیریت مشترک دانشگاه علامه طباطبایی تهران و دانشگاه
کربلا نیز هر سال کارشناسان و محققان را برای ثبت این رویداد، بررسی نقش آن در فرهنگ
عراق، و بحث در مورد چگونگی استفاده از آن برای ارتقای میانه‌روی مذهبی و هم‌زیستی
مسالمت‌آمیز گرد هم جمع می‌کند (Elias, 2019). در این وضعیت، شاهد تقویت نفوذ و
ظرفیت‌سازی ایران با توجه به تحولات مذهبی در عراق و اشتراکات آن با ایران در این دوره
زمانی بودیم.

۴-۱-۲- جغرافیایی فرهنگی مشترک با عراق و دیپلماسی عمومی کردها و شیعیان

دومین محور نفوذ فرهنگی ایران در عراق را می‌توان در ارتباط با اشتراک فرهنگی در چارچوب
جغرافیای فرهنگی تاریخی مشترک میان ایران و عراق، با تأکید و تمرکز بر کردهای این کشور
با ایرانیان ارزیابی کرد. «از نگاه ایرانیان، کردها بخشی مهم از تاریخ سلسله حکومت‌های
باستانی ایران از جمله امپراطوری مادها (۷۲۸-۵۵۰ ق.م)، هخامنشیان (۵۵۰-۳۳۱ ق.م)،
اشکانیان (۲۴۷ ق.م - ۲۲۶ م) و ساسانیان (۲۲۶-۹۳۶ م) بوده‌اند. در همین رویکرد، زبان کردی
یکی از زیرشاخه‌های زبان هند و ایرانی است (احمدی، ۱۳۷۸: ۷۶).

بنا بر همین نگاه نیز، مردم ایران همواره نسبت به کردها احساس علاقه خویشاوندی
داشته‌اند، هم‌چنان که رفتار دولت ایران نیز نسبت به کردها در مقایسه با رفتار دو دولت همسایه
دیگر معتدل‌تر بوده است؛ هرچند نارضایتی در میان کردهای سنی وجود دارد و به‌ویژه از جانب
نیروهای خارجی تشدید می‌شود (اشرف، ۱۳۸۳: ۱۶۱).

۴-۱-۳- مناسبات اقتصادی ایران و عراق در چارچوب سیاست منطقه‌ای ایران

یکی دیگر از محورهای قدرت نرم ایران در عراق بعد از ۲۰۰۳ که می‌توان از آن به عنوان یکی
از مؤلفه‌های اصلی قدرت هوشمند ایران در عراق یاد کرد، در ارتباط با پیوندهای اقتصادی و
صادرات محصولات تجاری تهران به کشور عراق است. در این ارتباط باید گفت که جمهوری

_____ مطالعه تطبیقی تحول مفهوم قدرت در سیاست منطقه‌ای ایران در عصر..... ♦
اسلامی ایران و عراق در طول سال‌های گذشته به دلیل اختلافات سیاسی و سوء نیت حاکمان گذشته، هیچ‌گاه از سطح روابط تجاری مناسبی برخوردار نبوده‌اند و این مسأله بیشتر به زیان منافع ملی دو کشور بوده است. اما با بررسی روابط اقتصادی عراق با ایران در سال‌های بعد از ۲۰۰۳، یعنی بعد از سقوط حکومت صدام حسین، عرصه‌ای جدید برای نفوذ ایران در عراق در قالب تبادلات اقتصادی گشوده شد (صادقی و عسگرخانی، ۱۳۹۰: ۹۴۰).

در دوران کنونی و خصوصاً با روی کار آمدن گفتمان اعتدال‌گرایی در عرصه‌ی سیاست منطقه‌ای ایران، با نگاه به عراق، تهران به بغداد نوین هم‌چون در دسترس‌ترین شریک اقتصادی-تجاری و در عین حال راه ورود به جبران وضعیت روابط پیش از سقوط صدام حسین می‌نگرد. بنابراین، روابط اقتصادی و تجاری ایران و عراق را که از سال ۲۰۰۳ میلادی و بعد از سقوط حکومت بعثی صدام کلید خورد، می‌توان به ۴ دوره زمانی تقسیم کرد؛ دوره انتظار (۸۲-۸۵)، دوره ساماندهی تجارت دو کشور (۸۵-۸۹)، دوره ماقبل داعش (۸۹-۹۳) و دوره سقوط قیمت نفت (۹۳ تا ۹۷). در وضعیت کنونی، اما روندهای اقتصادی با کاهش تنش‌ها از بهبود روابط خبر می‌دهد و ایران تلاش دارد تا در وضعیت تحریمی کنونی، به مهم‌ترین رابط اقتصادی با عراق بدل شده و تراز تجاری خود را از روند روابط تجاری این کشور با ترکیه نیز بیشتر نماید.

۴-۱-۴- قدرت سخت ایران در عراق در چارچوب مناسبات مستشاری و حشد

الشعبی

علاوه بر محورهای قدرت نرم ایران در کشورعراق، بهره‌گیری از قدرت سخت یا حضور نظامی یکی دیگر از ابعادی است که برای تکمیل قدرت هوشمند ایران در این کشور ضروری به نظر می‌رسد. این عرصه به ویژه زمانی مجال عرضه اندام پیدا کرد که گروه تروریستی داعش موفق شد بیش از یک سوم سرزمین عراق را به کنترل خود در آورد (سلیمی و زرین‌نرگس، ۱۳۹۳: دوهفته‌نامه دیار کهن).

چنانکه کنترل موصل، دومین شهر بزرگ عراق توسط داعش در ۱۰ ژوئن ۲۰۱۴ و متعاقب آن پیشروی داعش به سمت بغداد از یک سو و اربیل از سوی دیگر، کل مجموعه کشور عراق را با تهدید امنیتی جدی مواجه نمود، در این ارتباط امیر عبداللّه‌یان، معاون سابق عربی و آفریقایی وزارت امور خارجه ایران تأکید می‌کند: «وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران با درک درست از ماهیت گروه تروریستی داعش و اهداف حامیان آن، اولین کشوری بود که به درخواست کمک دولت عراق و مقام‌های اقلیم کردستان در مقابله با داعش پاسخ مثبت داد (عبداللّه‌یان، ۱۳۹۴).

ظهور داعش در سوریه و رسوخ آن به داخل عراق، فرصت لازم را برای توسعه نفوذ و حتی

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و دوم، پاییز ۱۳۹۹ ———

مداخله ایران در عراق فراهم نمود و در نتیجه‌ی حمایت نظامی ایران از حکومت عراق علیه داعش، بیش از ۱۰۰۰ مشاور از شاخه‌ی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای کمک به نیروهای امنیتی عراق گسیل داشته شد (طالبی‌آرانی، زرین‌نرگس، ۱۳۹۵). که نقش محوری آنها در دوران مبارزه با داعش، بازفعال نمودن، تسلیح و آموزش نیروهای شبهه نظامی شیعی تأسیس شده در عراق بود.

براین اساس، از همان ابتدای بحران عراق، جمهوری اسلامی ایران با محوریت سپاه قدس کمک‌های مستشاری به این کشور را در دستور کار خود قرار داد و باعث آزادسازی مناطق راهبردی عراق مانند «آمرلی» و «جرف الصخر» شد. در طی این عملیات‌ها، چندین مشاور از صفوف حزب الله و سپاه پاسداران در خط مقدم عملیات جرف الصخر و آمرلی به عنوان فرمانده حضور داشتند (Abdul-Zahra & Vivian, 2014). علاوه بر این، در سطحی دیگر، نیروی قدس نقش بزرگی را در ایجاد، مدیریت و بسط قدرت نیروهای حشد الشعبی به عنوان کلید پیروزی عراقی‌ها در برابر داعش داشتند.

ابعاد قدرت سخت ایران در عراق را می‌توان در موارد ذیل خلاصه نمود:

۱. حضور پررنگ در عراق در جهت جلوگیری از پیشروی داعش.
۲. تلاش برای حفاظت از اماکن مقدس عراق در مقابله با داعش.
۳. ارتباط بیشتر با اقلیم کردستان عراق در جهت جلوگیری از پیشروی داعش در اقلیم.
۴. سازماندهی نیروهای شبه نظامی و مردمی شیعی در عراق برای مقابله با داعش.
۵. انجام فعالیت مستشاری در ارتش عراق برای مقابله با داعش.
۶. تقویت حضور نظامی مستقیم در داخل خاک عراق در مجاورت مرزهای ایران (سنایی و کاویانپور، ۱۳۹۰).

با عنایت به آنچه گفته شد، می‌توان نکاتی چند در پیوند با چارچوب نظری و سیاست منطقه‌ای ایران در عراق را در جدول زیر به نمایش گذاشت.

ماهیت قدرت	کانون تمرکز	مؤلفه‌ها
قدرت نرم	شیعیان و کردهای شیعه مذهب و توسعه مناسب‌های مذهبی	تقویت و تمرکز بر اشتراکات مذهبی
قدرت نرم	ریشه‌های مشترک زبانی و نژادی کردها با ایرانیان	تمرکز بر حوزه اشتراکات فرهنگی
قدرت نرم	تلاش برای درهم‌تنیده کردن مناسبات اقتصادی و افزایش سطح صادرات	توسعه مناسبات اقتصادی

حضور مستشاری نظامی و حمایت از نیروهای حشد الشعبی	همکاری با ارتش و نیروهای حشد الشعبی و پیشمرگ‌ها در مقابله با داعش	قدرت سخت
--	---	----------

قدرت هوشمند دولت اعتدال‌گرا در کشور عراق (۱۳۹۲-۱۳۹۸) (محقق ساخته)

۴-۲- تحول مفهوم قدرت در سیاست منطقه‌ای ایران در یمن

اعتراضات مردمی در یمن، سال‌های اخیر که با اعتراض به افزایش قیمت سوخت به رهبری جریان انصارالله شاخه سیاسی حوثی‌ها شکل گرفت و به سوی صنعا، پایتخت یمن، گسترش یافت (Haykel, 2011)، منجر به سقوط دولت یمن، امضاء توافق نامه «صلح و مشارکت ملی» بین حوثی‌ها و رئیس‌جمهور پیشین یمن و تسلط حوثی‌ها بر کلیه مراکز مهم و استراتژیک پایتخت شد. در همین راستا، تحول مفهوم قدرت در سیاست منطقه‌ای ایران نسبت به یمن و در قالب مؤلفه‌هایی چند که بر نقش و وضعیت قدرت هوشمند ایران در دوران اعتدال‌گرایی صحنه گذارد، مورد مذاقه قرار خواهد گرفت.

۴-۲-۱- مسأله‌ی نفوذ ایران و محور مقاومت در راستای پیوندهای فرهنگی

ایران و شیعیان یمن

یمن قریب به ۲۲ میلیون نفر جمعیت دارد که ۳۵ درصد آنها، شیعیان زیدی مذهب هستند؛ یعنی قریب ۶/۵ میلیون نفر. این آمار قبلاً بیشتر بوده، یعنی در زمان حکومت خود زیدی‌ها حدود ۴۰ درصد بوده است (صادقی، ۹/۸/۱۳۸۸: ۶۸۳۹). طبق آمارهای سازمان سیا در آمریکا، در سال ۲۰۱۰ در حدود ۳۵ درصد از جمعیت ۲۶ میلیون نفری یمن را شیعیان و ۶۵ درصد را سنیان تشکیل می‌دادند. در آخرین آمارهای رسمی از همین پایگاه اطلاعاتی در سال ۲۰۱۶، جمعیت یمن ۲۷،۳۹۲،۷۷۹ نفر بوده است که از این میزان، ۹۹/۱ درصد مسلمان بوده و از جمعیت مسلمان نیز ۶۵ درصد آن‌ها سنی و ۳۵ درصد نیز شیعه هستند (CIA.GOV, 2016 and Islamic web). از همین منظر باید گفت، شیعیان یمن، در طول تاریخ، با وجود این جمعیت قابل توجه، همواره از مناصب و قدرت در این کشور کنار گذاشته شده‌اند، لذا طبیعی است که زمینه برای تنش میان آنها و حکومتشان وجود داشت. اما مسأله‌ی کلیدی نفوذ و جایگاه ایران در یمن در پیوند با محور مقاومت و شیعیان این کشور، در قالب حوثی‌هاست.

نفوذ گسترده معنوی ایران در میان شیعیان زیدی، به ویژه جنبش حوثی‌ها، نگرانی‌های عربستان سعودی و آمریکا را هم برانگیخته است. تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان یمن به ویژه جنبش حوثی‌ها عمیق است و در میان آنها، تأکید بر آرمان‌های انقلاب اسلامی مانند مبارزه با صهیونیسم و استکبارستیزی کاملاً مشهود است (نجات و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۶۷). بی‌تردید، جمهوری اسلامی ایران به عنوان رهبر جبهه مقاومت در منطقه و حامی نهضت‌های

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و دوم، پاییز ۱۳۹۹ ———
رهایی‌بخش در سراسر جهان مطرح بوده است، اما این مسأله هیچ‌گاه به معنی تمایل ایران به مداخله در امور داخلی کشورهای دچار بحران نبوده است. با این وجود، شیعیان یمن و خصوصاً حوثی‌ها به لحاظ گرایش‌های سیاسی و اعتقادی به کشورمان نزدیکی زیادی دارند و همین مسأله موجب شده که مردم یمن از ایران به عنوان رهبریت جهان تشیع برای تشکیل یک حکومت دینی اصیل الگوبرداری کنند و در این راستا، از حمایت‌های معنوی کشورمان نیز بهره‌جویی کنند (سلیمانی‌پور، ۱۳۹۴: ۸۵۴۹).

همچنین، مبانی ایدئولوژیک و نقش‌آفرینی فعال جمهوری اسلامی ایران در بحران یمن، بسترهای لازم برای کنشگری هویت‌بخش و بقامحور کشور را به‌وجود می‌آورد. بنابراین، یمن را باید در زمره کشورهای دانست که به دلیل وجود مبانی دینی و اعتقادی مشترک با جمهوری اسلامی ایران، پیوندهای تاریخی و فرهنگی آن، هم‌چنین قرار گرفتن در ژئوپلیتیک بیداری اسلامی، از اهمیت قابل‌ملاحظه‌ای جهت حفظ نفوذ ایران در منطقه و تداوم ارزش‌های انقلاب اسلامی برخوردار است.

این درحالی است که از سوی دیگر تنها محور کارآمد به‌منظور مقابله با نظم منطقه‌ای که توسط آمریکا ایجاد شده است، محور «مقاومت اسلامی» است و این گزاره نیز به تناوب از سوی مسئولان ایران و یمن مورد تأکید قرار گرفته است. مهم‌تر آن‌که، نگرانی ناشی از وجود «دشمن مشترک»، زمینه نزدیکی دو طرف را به‌ویژه در ابعاد امنیتی و دفاعی فراهم نموده است. همکاری دو کشور را می‌توان به‌منزله ابزاری کارآمد و مؤثر برای ایجاد و توسعه بازدارندگی در مقابل توسعه‌طلبی عربستان و گسترش نفوذ ایدئولوژیکی در حوزه خلیج‌فارس و دریای عمان قلمداد نمود.

۴-۲-۲- حمایت از حوثی‌ها در چارچوب آمریت، قدرت سخت و نظامی

ایران با سودای قدرت منطقه‌ای خود و نیز توانایی دفاعی که دارد، توانسته محور مقاومت را به‌گونه‌ای درونی‌سازی نماید که هرگونه راهبرد دفاعی کشور که دائماً مورد تبلیغ مقامات کشور قرار می‌گیرد، به شکل ظاهری در پرتو مرزهای ایران مورد خوانش قرار گیرد. اما، در خوانش ضمنی از توانایی دفاعی و قدرت سخت ایران، می‌بایست این رویکرد را به فرای مرزهای ایران برد و آن را در چارچوب توانایی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در نقطه‌ی پایانی مرزهای محور مقاومت مورد مذاقه قرار داد.

این بدین معناست که توانایی نظامی ایران دفاعی است، اما در مرزهای دفاعی محور مقاومت. در همین راستا، سازمان ملل متحد گزارش محرمانه‌ای را منتشر نموده است که ایران موشک‌های ضد تانک و ضد هوایی را به حوثی‌های یمن ارسال می‌نماید (الشعلان، ۲۰۱۸). البته،

_____ مطالعه تطبیقی تحول مفهوم قدرت در سیاست منطقه‌ای ایران در عصر..... ♦
 حتی اگر این نگاه درست باشد و بتوان آن را با اسناد متقن راستی‌آزمایی نمود و ایران نیز آن را پذیرد، می‌توان این کمک‌های نظامی را در راستای راهبرد دفاعی ایران در مرزهای محور مقاومت مورد خوانش قرار داد.

۴-۲-۳- جایگاه کمک بشردوستانه در سیاست منطقه‌ای ایران در یمن چون ابزاری دیپلماتیک و اقناعی

ارائه کمک‌هایی به صورت مواد و تدارکات به مردم نیازمند را به «کمک‌های بشردوستانه» در حقوق بین‌المللی تعبیر می‌کنند. معمولاً این کمک‌ها کوتاه‌مدت است تا در بلندمدت توسط دولت و نهادهای دیگر جایگزین شوند و اغلب به آوارگان، قربانیان بلایای طبیعی، قربانیان جنگ و قحطی تعلق می‌گیرد. هدف اصلی کمک‌های انسان‌دوستانه، نجات جان انسان‌ها و کاهش درد و رنج و احترام به کرامت انسانی است (نیا ناصر، ۱۳۹۳). یمن به عنوان کشوری جنگ‌زده که به دست انسان نیز دچار این آسیب‌شده، از کشورهای نیازمند کمک‌های بشردوستانه است. بنابراین، در مجموع می‌توان مؤلفه‌ها، کانون تمرکز و ماهیت قدرت جمهوری اسلامی ایران در یمن را در نمودار زیر ترسیم نمود.

مؤلفه‌ها	کانون تمرکز	ماهیت قدرت
پیوندهای فرهنگی با شیعیان یمن	ترویج اشتراکات فرهنگی و ارزش‌های انقلابی میان شیعیان	قدرت نرم
حمایت از حوثی‌ها در چارچوب آمریت، سخت و نظامی	حمایت نظامی و مستشاری به شیعیان در نبرد با دولت منصور هادی	قدرت سخت
کمک بشردوستانه به مردم یمن	حمایت از شهروندان جنگ‌زده و قربانیان تجاوز ائتلاف عربی	قدرت نرم

قدرت هوشمند دوره اعتدال‌گرا در کشور یمن (۱۳۹۲-۱۳۹۸) (محقق ساخته)

۴-۳- تحول مفهوم قدرت در سیاست منطقه‌ای ایران در سوریه

سوریه کشوری به غایت حیاتی و استراتژیک برای دکترین قدرت هوشمند ایران است. این کشور دارای روابط بسیار دیرینه با انقلاب اسلامی بوده و مهم‌ترین کشور دوست و برادر ایران در جهان عرب در چهل و دو سال اخیر به حساب آمده است. لذا طبیعی است با توجه به تحولات تاریخی و خصوصاً پس از شروع خیزش‌های عربی و درغلتیدن سوریه به دامن بحران داخلی، این کشور به یکی از مهم‌ترین کشورها در سیاست منطقه‌ای ایران بدل شود. لذا در

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و دوم، پاییز ۱۳۹۹ ———
ادامه، با عنایت به تحول مفهوم قدرت، به بررسی مؤلفه‌های اصلی پیونددهنده میان ایران و سوریه پرداخته می‌شود.

۴-۳-۱- حمایت از اسد و ظرفیت‌سازی و نفوذ ایران در سوریه و رسیدن به مدیترانه

در مورد حمایت ایران از نظام سوریه، مخالفین ایران مدعی‌اند که ایران در مورد سوریه برخلاف سیاست خارجی خود که از جمله مبارزه با مستکبرین و یاری مستضعفین می‌باشد، رفتار کرده است؛ به این معنی که سیاست خارجی آن در قبال مسأله سوریه برخلاف انقلاب‌های عربی و بحرین که از مردم پشتیبانی می‌کرد، در سوریه از رژیم بشار اسد حمایت می‌کند و به جای توجه به اصول سیاست خارجی تابع منافع ملی و استراتژیک خود در منطقه بوده است. جمهوری اسلامی ایران، در پاسخ به انتقادات فوق به این نکته اشاره می‌کند که در سوریه برخلاف بحرین که اکثریت مردم با رژیم آن کشور مخالفند و فقط اقلیتی ضعیف حامی دولت می‌باشند، موضوع کاملاً عکس می‌باشد و اکثریت مردم از دولت سوریه پشتیبانی می‌نمایند و مخالفین را اقلیتی از گروه‌هایی مانند القاعده و اخوان المسلمین، با گرایش‌های سلفی تشکیل می‌دهند که در شهرهای مرزی مستقر بوده و از حمایت مالی، تسلیحاتی و تبلیغاتی قدرت‌های خارجی برخوردارند.

این خود یک شکاف استراتژیک در چشم‌انداز و بینش نیروهای درگیر بحران در مورد حمایت از جبهه‌ی مخالفان و موافقان بشار اسد در سوریه است (برزگر، ۱۳۹۲: ۱۸۲). مسأله‌ی نفوذ استراتژیک کشور در سوریه و تلاش ایران برای حفظ آن نیز، یکی دیگر از استدلال‌های حمایت ایران از دولت اسد است. از لحاظ ژئوپلیتیک نیز به این نکته اشاره می‌شود که اینک عمق استراتژیک ایران گسترش یافته و در غرب تا سواحل دریای مدیترانه امتداد یافته است. بنابراین، مرزهای لبنان و سوریه به عنوان خط مقدم منطقه نفوذ ایران تلقی می‌شود. به این ترتیب، ترکیه، عربستان سعودی و قطر به عنوان حامیان منطقه‌ای مخالفان و مشخصاً جبهه موسوم به «ارتش آزاد سوریه» و «داعش و جبهه فتح الشام»، اصلی‌ترین و شناخته‌شده‌ترین تشکل مخالف بشار اسد، سعی در تشدید بحران، فشار بر اسد با هدف کناره‌گیری یا سرنگونی وی دارند. از عمده‌ترین انگیزه‌های مشترک جبهه قدرت‌های منطقه‌ای مخالفان اسد می‌توان به سیاست مهار ایران و هم‌چنین جلوگیری از قدرت روزافزون محور مقاومت با نقش‌آفرینی ایران، سوریه و حزب الله لبنان اشاره نمود (برزگر، ۱۳۹۲: ۱۸۲). به همین دلیل است که ایران هرگونه انتقال قدرت در سوریه را تنها در صورتی می‌پذیرد که خود در آن نقش داشته و آینده‌ی حضورش در این کشور را تضمین نماید.

۴-۳-۲- مسأله حمایت از محور مقاومت و حضور نظامی در سوریه

حضور و مشارکت سوریه در راهبرد منطقه‌ای ایران که با عنوان محور مقاومت متشکل از خط اتصال نیروهای مخالف تجاوزگری اسرائیل در منطقه شامل حزب الله لبنان، سوریه، عراق و ایران نمایان شده است را باید در واقع، در یک پروسه تاریخی حمایت از آرمان آزادی فلسطین و در راستای تخاصم چندین دهه‌ای این کشور با اسرائیل بازخوانی کرد که در طی آن، جمهوری اسلامی ایران توانست با حمایت‌های معنوی و مادی خود باعث ایجاد نزدیکی بیشتر دمشق-تهران شده تا از این طریق ایران بتواند با ایجاد رابطه‌ی پایدار با سوریه همزمان در دو جهت فعالیت کند؛ از یک طرف می‌توانست خطی اتصال بین تهران و حزب الله ترسیم کند و از طرف دیگر می‌توانست مستقیماً به کنترل تحرکات اسرائیل در راستای حفظ امنیت خود بپردازد (Shapira, 1988: 122).

براین اساس، می‌توان اذعان کرد دیدگاه آرمان‌گرایانه انقلاب اسلامی به مسأله فلسطین و حمایت از گروه‌های مقاومت فلسطینی در طول دهه‌های گذشته عاملی برای بسط نفوذ منطقه‌ای ایران در عرصه تحولات خاورمیانه بویژه پس از آغاز موج بیداری اسلامی در منطقه بوده است. بر همین مبنا، ضروری است که در آینده تحولات کشور سوریه نیز بر این بُعد از قدرت نرم همچنان تأکید شود. لذا، علاوه بر مؤلفه‌های نرم ایران در سوریه، بازوی قدرت نظامی یا سخت آن نیز در شرایط لازم به کارگرفته شده است.

۴-۳-۳- دیپلماسی سیاسی - فرهنگی ایران در سوریه برای خروج از بحران و حمایت از شیعیان این کشور

ایران همچنین با تمام قوا با هرگونه مداخله طرف خارجی در امور داخلی سوریه مخالف بوده و تلاش کرده است با رایزنی و مذاکره با دیگر حامیان سوریه، نظیر چین و روسیه، مانع از دخالت قدرت‌های خارجی در تحولات داخلی سوریه شود. ایران همچنین، هرگونه عملیات مسلحانه در داخل سوریه را رد می‌کند. به طور کلی، از ابتدای بحران سوریه تا به امروز، دیدگاه ایران برای حل این بحران را می‌توان در موارد زیر خلاصه و ملاحظه کرد:

۱- توقف نبردها و عملیات‌های مسلحانه؛

۲- گفت‌وگوی میان دولت سوریه و جریان‌های معارض سوری؛

۳- حفظ وحدت، یک‌پارچگی، تمامیت ارضی و بافت و ساختار ملی سوریه؛

۴- برگزاری انتخابات ریاست جمهوری با نظارت سازمان ملل و طرف‌های بین‌المللی و مشارکت و حضور تمام طرف‌ها و جریان‌ها در آن و سر فرود آوردن در برابر خواست و اراده مردم

همچنین، در سطح بازیگران منطقه‌ای، جمهوری اسلامی ایران با لحاظ کردن موارد فوق و همچنین برخی شواهد، اعتراضات سوریه و ادامه وضعیت فعلی را یک جریان مردمی و اسلامی تلقی نکرده و بر نقش بازیگران خارجی از جمله عربستان سعودی، قطر، ترکیه، ایالات متحده و رژیم اسرائیل در برپایی آشوب‌های سوریه تأکید کرده است (نصر، ۱۳۸۷: ۲۳۶).

۴-۳-۴- پیوند ناسیونالیسم عربی و هویت ایرانی اسلامی

افزایش قدرت علویان سوریه در دوران پس از استقلال سوریه در سال ۱۹۴۴، نقطه عطفی در رابطه ایران و سوریه ایجاد کرد و این در حالی است که تا پیش از این، ایدئولوژی ناسیونالیسم عربی موجود باعث ناممکن شدن روابط دوجانبه بین اعراب و ایران شده بود، که این امر هم ناشی از تفاوت‌های مذهبی بین دو کشور بود و هم سلطه تفکر پان عربیستی به این مسأله دامن می‌زد (Prados and Sharp, 2005: 17).

با عنایت به آنچه گفته شد و نیز در ارتباط با چارچوب نظری و تحول مفهوم قدرت که خوانش قدرت هوشمند در دوران اعتدال‌گرایی در سیاست منطقه‌ای ایران را شامل می‌شود، باید گفت که اولاً، ایران برای اولین بار توانست نفوذ خود را از دل بحران سوریه گسترش داده و به مدیریت برساند. این به معنای توسعه‌ی نفوذ محور مقاومت هم بوده و در عین حال، ظرفیت‌سازی نوینی برای این محور ذیل اقتدار و آمریت ایران بوده است. ثانیاً، ایران توانسته است خود را به مرزهای اسرائیل برساند. این رسیدن به مرزهای اسرائیل، هم به شکل نرم و هم سخت در دوران کنونی توسعه یافته و باعث اعمال فشار بر سیاست‌های این کشور در قبال مسأله‌ی فلسطین و نیز سوریه شده است. ثالثاً، ایران به آگاهی کامل، در عین تداوم قدرت آمریت، سخت و نظامی خود در سوریه در قالب محور مقاومت، توانسته به تداوم روند دیپلماتیک، نرم و اقناعی خود برای پایان این بحران پردازد.

این اقدام را در قالب حضور ایران در نشست‌های مختلف پیرامون بحران سوریه، خصوصاً نشست‌های سه‌جانبه‌ی ترکیه، روسیه و ایران شاهد بودیم که به معنای برد دیپلماسی هوشمند ایران در سیاست منطقه‌ای کشور در قبال سوریه تلقی می‌شود.

ماهیت قدرت	کانون تمرکز	مؤلفه‌ها
قدرت سخت	حمایت نظامی و مستشاری از حکومت مرکزی در برابر تروریست‌ها	حمایت همه‌جانبه از حکومت بشار اسد و انتقال نفوذ ایران به مدیریتانه
قدرت سخت	تقویت نیروهای حاضر در محور مقاومت در	حمایت از محور مقاومت

قدرت نرم	قدرت نرم	نزدیکی مرزهای اسرائیل	تمرکز بر دیپلماسی سیاسی - فرهنگی
قدرت نرم	قدرت نرم	توسعه و بسط ارزش‌های فرهنگی تشیع میان شهروندان سوری	ایجاد پیوند میان ناسیونالیسم عربی و هویت ایرانی اسلامی
		تمرکز بر همکاری با شیعیان علوی و ایجاد همکاری بر اساس تهدید مشترک	

قدرت هوشمند دولت اعتدال‌گرا در کشور سوریه (۱۳۹۲-۱۳۹۸) (محقق ساخته)

نتیجه‌گیری:

در پایان، به مقایسه سیاست منطقه‌ای ایران در کشورهای عراق، یمن و سوریه خواهیم پرداخت و با تکیه بر چارچوب نظری قدرت نرم و مباحث جوزف نای، به تحول مفهوم قدرت در عصر جهانی شدن، در این سه کشور خواهیم پرداخت. برای مقایسه بهتر از نموداری استفاده خواهیم کرد که با بررسی مؤلفه‌ها و کانون‌های تمرکز، به این بحث اشاره خواهد داشت که موارد بهره‌گیری از قدرت نرم یا قدرت سخت در این کشورها به چه نسبتی بوده‌اند.

سوریه	یمن	عراق	
<p>مؤلفه‌ها</p> <p>- تقویت و تمرکز بر اشتراکات مذهبی</p> <p>- تمرکز بر حوزه اشتراکات فرهنگی</p> <p>- توسعه مناسبات اقتصادی</p> <p>- حضور مستشاری نظامی و حمایت از نیروهای حشد الشعبی</p>	<p>پیوندهای فرهنگی با شیعیان یمن</p> <p>- حمایت از حوثی‌ها در چارچوب آمریت، سخت و نظامی</p> <p>- کمک بشردوستانه به مردم یمن</p>	<p>مؤلفه‌ها</p> <p>- تقویت و تمرکز بر اشتراکات مذهبی</p> <p>- تمرکز بر حوزه اشتراکات فرهنگی</p> <p>- توسعه مناسبات اقتصادی</p> <p>- حضور مستشاری نظامی و حمایت از نیروهای حشد الشعبی</p>	
<p>کانون تمرکز</p> <p>- حمایت نظامی و مستشاری از حکومت مرکزی در برابر تروریست‌ها</p> <p>- تقویت نیروهای حاضر در محور مقاومت در نزدیکی مرزهای اسرائیل</p> <p>- توسعه و بسط ارزش‌های فرهنگی تشیع میان شهروندان سوری</p> <p>- تمرکز بر همکاری با شیعیان</p>	<p>کانون تمرکز</p> <p>- ترویج اشتراکات فرهنگی و ارزش‌های انقلابی میان شیعیان</p> <p>- حمایت نظامی و مستشاری به شیعیان در نبرد با دولت منصور هادی</p> <p>- حمایت از شهروندان جنگ‌زده و قربانیان تجاوزهای ائتلاف عربی</p>	<p>کانون تمرکز</p> <p>- شیعیان و کردهای شیعه مذهب و توسعه مناسبات‌های مذهبی</p> <p>- ریشه‌های مشترک زبانی و نژادی کردها با ایرانیان</p> <p>- تلاش برای درهم‌تنیده کردن مناسبات اقتصادی و افزایش سطح صادرات</p> <p>- همکاری با ارتش و نیروهای حشدالشعبی و</p>	

علوی و ایجاد همکاری بر اساس تهدید مشترک		پیش‌مرگ‌ها در مقابله با داعش	
قدرت سخت + قدرت نرم = قدرت هوشمند بهره‌گیری از قدرت سخت و نرم به یک نسبت	قدرت سخت + قدرت نرم = قدرت هوشمند (با تأکید بر قدرت سخت)	قدرت سخت + قدرت نرم = قدرت هوشمند (با تأکید بر قدرت نرم)	ماهیت قدرت

جدول مقایسه نسبت قدرت نرم و قدرت سخت در سه کشور منطقه (عراق، یمن، سوریه) (محقق ساخته)

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران در دوره ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸، در عراق با تأکید بر تقویت و تمرکز بر اشتراکات مذهبی، تمرکز بر حوزه اشتراکات فرهنگی، تأکید بر ریشه‌های مشترک زبانی و نژادی کردها با ایرانیان و توسعه مناسبت‌های مذهبی مانند راهپیمایی اربعین و سایر مناسبت‌های مشترک مذهبی بین شیعیان عراق و شیعیان ایران از قدرت نرم بیشتر، در یمن با تأکید بر حمایت از حوثی‌ها در چارچوب آمریت، سخت و نظامی، همچنین کمک‌های بشردوستانه اقتصادی به مردم یمن، همچنین حمایت نظامی و مستشاری به شیعیان در نبرد با دولت منصور هادی از قدرت سخت بیشتر و در سوریه تقریباً با بهره‌گیری از قدرت نرم و سخت به یک نسبت در حمایت همه‌جانبه از حکومت بشار اسد و انتقال نفوذ ایران به مدیترانه، حمایت از محور مقاومت، تمرکز بر دیپلماسی سیاسی- فرهنگی، همچنین ایجاد پیوند میان ناسیونالیسم عربی و هویت ایرانی اسلامی، توانسته به شاخصه‌های قدرت هوشمند نزدیک شود و تحول مفهوم قدرت منطقه‌ای ایران، به صورت یک مطالعه تطبیقی به این شکل قابل ارزیابی است.

منابع

الف: منابع فارسی

- احمدی، حمید (۱۳۷۸). **قومیت و قوم‌گرایی در ایران**، تهران: نشر نی.
- اشرف، احمد (۱۳۸۳). «بحران هویت ملی و قومی در ایران»، **مندرج در: ایران: هویت، ملیت، قومیت**، به کوشش حمید احمدی، تهران: انتشارات موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- افضل‌ی، رسول و دیگران (تابستان ۱۳۹۷). **مؤلفه‌های قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران و ظرفیت‌های آن در عرصه بین‌الملل از دید کارشناسان**، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال هشتم، شماره دوم.
- آجیلی، هادی و افشاریان، رحیم (زمستان ۱۳۹۵). **گفتمان اعتدال در سیاست خارجی دولت یازدهم**، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال پنجم، شماره ۱۹، پیاپی ۴۹.
- برزگر، کیهان (۱۳۹۲). **تحولات عربی، ایران و خاورمیانه**، تهران، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- بیلگین، پینار (۱۳۹۳). **امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه**، ترجمه قهرمان‌پور، تهران، ابرار معاصر.
- پورحسن، ناصر (پاییز ۱۳۹۶). **تکوین عمق راهبردی هوشمند جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه**، فصلنامه علوم سیاسی، سال بیستم، شماره هفتاد و نهم.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۰). **بازتاب مفهومی و نظری انقلاب اسلامی ایران در روابط بین‌الملل**، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۳). «**جهانی شدن و نظام بین‌الملل**»، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، شماره ۱۴، بهار، صص ۴۴-۷.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۳). «**دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران**»، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۳). **فصلنامه سیاست خارجی**، سال بیست و هشتم، شماره ۱.
- سلیمی، آرمان و زرین‌نرگس، یحیی (۱۳۹۳). **بحران داعش و سناریوهای پیش‌روی حکومت اقلیم کردستان عراق**، دوهفته‌نامه دیارکهن، شماره ۷۲.
- سنایی، اردشیر؛ کاویانپور مونا (۱۳۹۵). **ظهور داعش و تاثیر آن بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، ۹ (۳۴).
- صادقی، سعید؛ عسگرخانی، ابومحمد (۱۳۹۰). **بررسی عملکرد قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عراق جدید**، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۹۹.
- طالبی‌آرانی، روح‌الله و زرین‌نرگس، یحیی (۱۳۹۵). **بین‌المللی شدن دولت در غرب آسیا: مطالعه‌ی موردی عراق از ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۶**، همایش بین‌المللی نظم امنیتی منطقه‌ای در غرب

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و دوم، پاییز ۱۳۹۹ ———

آسیا، اولین کنفرانس امنیتی تهران.

-غریب‌آبادی، کاظم (۱۳۸۲). **جهانی شدن و تحول در مولفه‌های سیاست خارجی**، اطلاعات سیاسی اقتصادی، زمستان ۸۲.

-قربانی شیخ نشین، ارسلان و دیگران (۱۳۹۰). **قدرت هوشمند، تحول نوین قدرت در عصر جهانی شدن**، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۹۰.

-مایلی، محمدرضا و دیگران (۱۳۹۵). **قدرت نرم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۹، شماره ۳۵.

-مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۸۸). **نقش منطقه‌ای عربستان و تحولات یمن**، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی.

-نای، جوزف (۱۳۹۳). **آینده قدرت**، ترجمه حیدری - فرزاد، تهران، فرزان روز.

-نجات، سیدعلی و دیگران (۱۳۹۵). **«راهبرد عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن»**، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره نهم، شماره ۳۳.

-نصر، ولی (۱۳۸۷). **پیامدهای منطقه‌ای ناشی از احیای شیعه در عراق**، در کتاب چشم‌اندازهای منطقه‌ای و بین‌المللی: عراق پس از صدام، به کوشش احمد سلطانی‌نژاد و امیرمحمد حاجی‌یوسفی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

-نیا ناصر، قربان (۱۳۹۳). **تعهد دولت‌ها به ارائه و پذیرش کمک‌های بشردوستانه**، فصلنامه‌ی حقوق تطبیقی، دوره ۱۰، شماره ۱۰۲.

-هراتی، محمدجواد و دیگران (۱۳۹۵). **تأثیر ساختار سیاسی جدید عراق بر نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی**، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال سیزدهم، شماره ۴۶.

منابع لاتین:

- Abdul-Zahra, Qassim und Vivian, Salama (2014). **Geheimnisvolle Figur Dieser General treibt IS vor sich her**, at: http://www.t-online.de/nachrichten/ausland/krisen/id_71699822/iranischer-general-ghasem-soleimani-treibt-is-vor-sich-her.html.
- Elhousseini. Fadi (2016). **Soft power models in middle East**”, university of Ottawa. Jone.
- Haykel, Bernard (2011). **Saudi Arabia's Yemen Dilemma: How to Manage an Unruly Client State**, Foreign Affairs. Available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/saudi-arabia/2011-06-14/saudi-arabias-yemen-dilemma>
- Haynes, J, (2009). **Causes and Consequences of Transnational Religious Soft Power**, London Metropolitan University.
- Nasr, Vali (2006). **Rise Shiites the When**, Affairs Foreign, 1. Pp 4- 58.

- _____ مطالعه تطبیقی تحول مفهوم قدرت در سیاست منطقه‌ای ایران در عصر..... ♦
- Nye, Joseph S. Jr (2014). **The Future of Power**, PublicAffairs; Reprint edition.
- Prados, A & Sharp, (2005). **Syria: political conditions&Relations with the United State after the Iraq War**, Congressional Research Service, CRS Report for Congress.
- Shapira.S (1988). **The Origins of Hizballah**, In the Jerusalem Quarterly: No: 46.
- Torfeh, Massoumeh (2017). “**The role of Iran’s regional media in its soft war policy.**”

وبسایت

- سلیمانی پور، زهرا (۱۳۹۴). تاریخ مناسبات ایران و یمن (به طور خاص حوثی‌ها)؛ یمن چه جایگاهی در سیاست خارجی ایران داشته و دارد؟ قابل دسترسی در:
<http://borhan.ir/NSite/FullStory/News/?Id=8549>
- الشعلان، مارینا (۲۰۱۸/۱۲/۱۳). **گروکشی سازمان ملل از ایران و یمن**، خبرگزاری اسپوتنیک، قابل دسترس در:
<https://ir.sputniknews.com/politics/201812134262049>
- عبداللهیان، امیر (۱۴ مرداد ۱۳۹۴). **ایران اولین کشور کمک‌کننده به دولت عراق و اقلیم کردستان در مقابله با داعش بود**، خبرگزاری میزان، قابل دسترسی در:
<http://www.shahrekhabar.com/political/1438785360536162>